

عاشقانه‌های مبتدی (۱)

باشناخت‌نامه

دکتر علیرضا منوچهریان

با همکاری:

انسیه قیطان

فهرست

- متنبی در یک نگاه..... ۱۳
- متنبی در حدیث دیگران..... ۱۵
- مقدمه..... ۴۳
- این عشق چیست؟..... ۴۵
- زندگی و شعر متنبی..... ۵۰
- هورهای چهارگانه زندگی متنبی..... ۵۲
- متنبی در ایران..... ۵۶
- جایگاه شعری متنبی..... ۵۸
- پیوند شعر متنبی با ادب پارسی..... ۵۹
- باز می‌گردم به اصل بحث خویش..... ۶۷
- معنای ترجمه نشدن دیوان متنبی در ایران..... ۶۸
- دین و مذهب متنبی..... ۸۲
- عشق و غزل در دیوان متنبی..... ۸۴
- تصوف و عرفان در شعر متنبی..... ۸۷
- فلسفه و حکمت در شعر متنبی..... ۸۹
- پنج عامل شگفتی‌ساز در شعر متنبی..... ۹۶

۱۴۹.....	حسن و مزیت شب.....
۱۵۰-۱۵۳.....	دیر معشوق.....
۱۵۴.....	نیم کوی معشوق.....
۱۵۵.....	معشوق ماندگار.....
۱۵۶.....	حض معشوق.....
۱۵۷.....	آیش معشوق.....
۱۵۸.....	صفت معشوق.....
۱۵۹.....	دروغ معشوق.....
۱۶۰.....	قم عاشق.....
۱۶۱-۱۶۴.....	آرزوهای عاشق.....
۱۶۵.....	عذر عاشق.....
۱۶۶.....	غیرت عاشق.....
۱۶۷.....	همت عاشق.....
۱۶۸-۱۶۹.....	غم عشق.....
۱۷۰.....	قدر عشق مسافر.....
۱۷۱.....	غم عشقانه شعر.....
۱۷۲.....	عشق بی فریب.....
۱۷۳-۱۷۹.....	علامت.....
۱۸۰-۱۸۱.....	رتک.....
۱۸۲-۱۸۳.....	سوز عشق.....
۱۸۴.....	تعبود عشق.....
۱۸۵.....	اقبوس بر عشق.....
۱۸۶-۱۸۷.....	وفا.....
۱۸۸-۱۹۴.....	حقی.....
۱۹۵.....	تلقه دروغ.....

۹۷.....	درباره این کتاب.....
۱۰۲.....	سخن پایانی.....
۱۰۵.....	عاشقانه‌ها.....
۱۰۷.....	تعریف عشق.....
۱۰۸.....	عشقی که به کار آید.....
۱۰۹-۱۱۲.....	وصال.....
۱۱۳.....	رایحه دل انگیز معشوق.....
۱۱۴.....	ناز و کرشمه معشوق.....
۱۱۵.....	زیبایی معشوق.....
۱۱۶.....	معشوقه شفابخش.....
۱۱۷.....	وصف معشوق.....
۱۱۸-۱۲۱.....	تشبیه معشوق.....
۱۲۲-۱۲۷.....	چهره معشوق.....
۱۲۸-۱۲۹.....	چشم معشوق.....
۱۳۰.....	نگاه معشوق.....
۱۳۱.....	جلوه معشوق.....
۱۳۲.....	طعم معشوق.....
۱۳۳-۱۳۵.....	فدا شدن برای معشوق.....
۱۳۶-۱۳۹.....	بی‌همتایی عاشق.....
۱۴۰.....	شگفتی‌های معشوق.....
۱۴۱.....	خیال معشوق.....
۱۴۲.....	آزار معشوق.....
۱۴۳.....	مقام شامخ معشوق.....
۱۴۴-۱۴۸.....	دیدار (در شب).....

اشک..... ۱۹۶

یاری بر عشق..... ۱۹۷

معجزه عشق..... ۱۹۸

معجزه معشوق..... ۱۹۹

راز عشق..... ۲۰۰

عشق عقیف..... ۲۰۱-۲۰۴

عشق بی‌رشوه..... ۲۰۵

سعایت عشق..... ۲۰۶

غارت دلها..... ۲۰۷-۲۰۸

بوسه..... ۲۰۹

تبسم..... ۲۱۰-۲۱۱

شعر عالم‌گیر عاشق..... ۲۱۲

معشوق عالم‌گیر..... ۲۱۳

دلبر سیمین‌تن..... ۲۱۴

خاطرات..... ۲۱۵

خانه دل..... ۲۱۶

بیماری عشق..... ۲۱۷

عاشق بی‌یار و یاور..... ۲۱۸

مستی..... ۲۱۹

انتظار..... ۲۲۰

تیر عشق..... ۲۲۱

رقیب..... ۲۲۲

عمر دوباره..... ۲۲۳

اوقات خوش..... ۲۲۴

ترک بزم بهر رزم..... ۲۲۵

۲۲۶..... اشتباه روزگار

۲۲۷..... عقیبت عشق

۲۲۹..... فهرست منابع و مأخذ

۲۲۹..... الف) منابع فارسی و عربی

۲۳۹..... ب) مقاله (مجله)، روزنامه و سایت

۲۴۰..... ج) منابع انگلیسی و فرانسه

۲۴۱..... تعایه اشخاص

۲۴۷..... تعایه کتب

تعریف عشق

وَمَا الْعِشْقُ إِلَّا غِرَّةٌ وَ طَمَاعَةٌ
يُعْرَضُ قَلْبُ نَفْسِهِ فَيُصَابُ؛

عشق، چیزی جز فریب و آزی نیست که دلی خود را در
معرض آن می‌نهد و مبتلا می‌شود.

۱- کمال حلمی بک با تمثیل به این بیت می‌گوید که متنبری به عنوان یک حکیم،
نواعد عشق را در دیوان خود نوشته است و حدودش را ترسیم کرده است (ر.ک.
بوالطیب المتنبری، حیات و خلقه و شعره و اسلوبه، ص ۲۳۹).

عشقی که به کار آید ...

وصال^۱

فَإِنَّ قَلِيلَ الْحُبِّ بِالْعَقْلِ صَالِحٌ
وَ إِنَّ كَثِيرَ الْحُبِّ بِالْجَهْلِ فَاسِدٌ^۱

يَا رَجَاءَ الْغَيُورِ فِي كُلِّ أَرْضٍ
لَمْ يَكُنْ غَيْرَ أَنْ أَرَكَ رَجَائِي

اندک عشق و محبّتی با عقل و معرفت به کار آید ولی محبّت
بسیار با جهل و حماقت زیان آرد.^{۲ ۳}

ای امید دیده‌ها در هر سرزمین، آرزوی من دیدن تو بود، فقط
همین.

فَأِنِّي قَدْ وَصَلْتُ إِلَى مَكَانٍ
عَلَيْهِ تَخَسُّدُ الْحَدَقِ الْقُلُوبِ

بی‌شک (در قرب به او) من به جایی رسیده‌ام که دلها بر

دیدگان حسد می‌برند.

۱- این، آخرین بیت از جلد اول کتاب ترجمه و تحلیل دیوان منتبّی (ص، ۵۸۶) است.

۲- این سخن منتبّی حاوی آموزه‌های مهمی از علم روانشناسی است و بدین طریق، جلوه‌ای دیگر از ادبیات تطبیقی و پیوند ناگسستنی ادبیات با دیگر دانشهای بشری آشکار می‌گردد.

۳- عکبری در نقد این بیت می‌گوید که اگر منتبّی به جای عقل در مصراع نخست، لفظ علم را می‌آورد، به لحاظ صناعت شعری نیکوتر و قویتر می‌بود چرا که در مصراع دوم، کلمه جهل آمده است و علم، مقابل جهل است (شرح العکبری، ج ۱، ص ۲۶۲). نگارنده این سطور می‌افزاید: منتبّی خوش گفته است چرا که اولاً عقل با صلاح سازگارتر است. ثانیاً عقل و عشق متناقض‌نما هستند و جالب آن که توالی این دو لفظ، تناقض‌نمایی شعر را بیشتر جلوه‌گر ساخته است.

۱- روانشناس معروف، اریک فروم بر آن است که انسانها در طول تاریخ فقط در برابر یک مسأله قرار گرفته‌اند: «چگونه بر جدایی غلبه کنیم، چگونه وصل را بعدست آوریم» (هنر عشق ورزیدن، ص ۱۸). نگارنده می‌افزاید که از مطالب مهم قرآن و عرفان نیز همین است که انسانها چگونه به وصال حق می‌رسند.